

ده نوشتار

دربارهٔ تاریخ و فرهنگ و زبان گیلان و ایران

حمید فروحی

تهران ۱۳۹۳

سرشناسه	: فروچی، حمید
عنوان و نام پدیدآور	: ده نوشتار: درباره تاریخ و فرهنگ و زبان گیلان و ایران/حمید فروچی.
مشخصات نشر	: تهران: خانه تاریخ و تصویر ابریشمی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۶ص: مصور: س.م. ۱۴/۵X۲۱/۵
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۹۶-۹۶-۷
وضعیت فهرست	: قبا
نوعی	
یادداشت	: چاپ دوم.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: نام‌های جغرافیایی -- ایران -- ریشه‌شناسی
موضوع	: تبلیغات ضد ایرانی
موضوع	: ایران -- تاریخ
رده بندی کنگره	: DSR/ف ۹۵۴ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی	: ۹۱۵/۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۵۰۱۴۸
تاریخ درخواست	: ۱۳۹۳/۸/۱۴
تاریخ پاسخگویی	
کد پیگیری	: ۳۶۴۸۳۱۸

ده نوشتار

حمید فروجی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: یوسفی

لیتوگرافی: فرایند گویا

چاپخانه: کسری

نوبت چاپ: اول زمستان ۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴۹۱۵۱۹-۶۰۰-۵۶۷۶۶

ناظر چاپ: آریا ابریشمی

مدیر تولید: عباس آذروند



خانه تاریخ و تصویر ابریشمی

آدرس ناشر: انقلاب خ ۱۲ فروردین پاساژ فروردین ط اول

تلفن: ۶۶۴۹۱۵۱۹ - ۶۶۴۹۵۱۶ فکس: ۴۳۰۵۶۷۶۶

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هر گونه بهره برداری

از متن و تصاویر این کتاب تحت هر عنوان از جمله استفاده در

کتاب، فیلم و مطبوعات منوط به دریافت مجوز کتبی از ناشر می باشد.

فهرست

- پیشگفتار ۱۳
- نام دریای شمال ایران «کاس سی بیه» یا «کاسبین» یا «کاسپین» است ۱۹
- «کاس» ها و «کاسپ» ها ۱۹
- نام دریای شمال ایران از دیدگاه و پژوهش های عنایت الله رضا ۲۴
- دریای «کاس» و «کاسپین» در نوشته های استاد عنایت الله رضا ۲۷
- نام دریای شمال ایران از دیدگاه حقوقدان و گیلان شناس معاصر آقای سید حسین موسوی ۳۰
- کاس ها سفید پوست و از نژاد آریایی هستند ۳۱
- کاس - کاسب - کامپ - کاسبین - کاسپین - کشوین و قزوین ۳۸
- کاس - سی - بیه ۴۱
- لزوم تغییر نام دریای شمال ایران از «دریای خزر» به «دریای کاسپین» و «قزوین» به «کاسپین بر وزن کشوین» و «اردبیل» به «آریابین یا آرنابین» ۴۸
- پراکندگی آریان در پهنه پُشته ایران ۴۹
- جستجویی درباره معنی تهران و شمیران ۵۳
- طهران صحیح است یا تهران ۵۵
- آیا تهران به معنی «ته ران» و یا «جای آخر» و یا «ته کوه» معنی می دهد؟ ۵۶
- آیا تهران به معنای گرمستان و شمیران به معنای سردستان است؟ ۵۸

- طهران (تهران)، طرشت (ترشت = تارشت)، طالقان (تازگان)، طارم (تارم) =
 ۵۸ تاران، تیران و تیرانا
 ۶۱ شمیران
 ۶۲ برای پی بردن به معنای «شمیران» باید معنای «سومر» را دانست
 ۶۵ تحقیقی دربارهٔ واژهٔ «گیلان» و «دیلمان»
 ۶۷ آیا واژهٔ «گیلان» از «وَرَن» گرفته شده است
 ۶۸ وَرَن از نظر استاد پروداود
 ۶۸ نظر بهٔ دکتر فریدون جنیدی دربارهٔ «وَرَن»
 ۷۰ آیا ریشهٔ واژهٔ «گیلان»، «وَرَن» یا «وارنا» است؟
 ۷۱ ایر، دیل، گیل (Gill)
 ۷۲ مهاجرت ایرانیان و گیلانیان به سوی اروپا
 ۷۶ آثار زبانی و تمدنی گیلانیان در (gaul) یا فرانسهٔ باستان
 ۷۷ آثار زبانی و تمدنی گیلان و ایران در آلمان
 ۷۸ آثار زبانی و تمدنی گیلان و ایران در ایرلند و انگلستان
 ۸۱ بررسی واژهٔ «آذربایجان» و «تبریز»
 ایران ویج - ایران - ایراک - آریایی - ایروان - آریا - اراک - خراسان
 ۸۹
 ۹۳ رشت، شهر ستاره (پژوهشی در معنای لغوی رشت)
 ۹۶ معنای رشت از نظر فرهنگ معین
 آیا معنای رشت خاکروب، لجن، جاروب، خاکسار، پستی، حقارت و فروتنی،
 ۹۶ گچ، خاک، گرد و غبار تیره و آهکدانه و غیره است
 ۹۹ رشتن
 ۹۹

- آیا رشت به معنای دانشمند فرزانه است؟ ۱۰۱
- رشت و ستاره ۱۰۲
- است، است، ایش و آشت و تاره و تارا ۱۰۴
- آیا تاره و تارا به معنای ستاره است؟ ۱۰۵
- ایش، است، لشت، نشت و رشت ۱۰۵
- آ، آ، آن، ل، ر، ل، و بر روی کلمات ایشتر، ایشترن، آلاشت، نشترود، لشت ۱۰۷
- نشاء، رشت، لشتو، و لشت ۱۰۷
- لشت نشاء و ایشتر و رابطه آنها با نساء ۱۰۸
- لزوم تصحیح معنای رشت در فرهنگ ها و لغت نامه ها ۱۰۸
- تأملی در معنای لغوی «رشت» (یاسخی به آقایان م. ن. و الف. م.) ۱۱۳
- نقدی بر فیلم اسکندر به کارگردانی الیور استون Alexander, Directed by Oliver Stone ۱۱۹
- ردیهای بر فیلم ۳۰۰، به کارگردانی زاک استایدر 300, Directed by Zack Snyder ۱۳۴
- جنگ های ایران و یونان ۱۳۸
- اساس اختلاف بین ایران و یونان ۱۳۸
- جنگ ترمویل ۱۳۹
- نگاهی به فیلم «اسپارتاکوس» ۱۴۶
- پیکره ها ۱۵۰
- نمایه ۱۸۱

پیشگفتار

سیاس و ستایش بی‌پایان، دادار جهان‌آفرین را سزااست که به این نویسنده لطف فرمود و این فرصت را به او اعطا نمود تا ده گفتار دربارهٔ تاریخ و فرهنگ و زبان ایران‌زمین فراهم آورد...

نوشتارهای این کتاب، حاصل مطالعه و تفکر چندین سאלهٔ نویسنده است که موضوعات آن نیز همه بحث‌انگیز و تأمل‌برانگیز است...

۱. اولین نوشتار دربارهٔ نام دریای شمال ایران است. نامی که هم اکنون مورد استفادهٔ دولت ایران برای دریای شمال ایران قرار گرفته «خزر» است که مورد اعتراض منطقی همهٔ نویسندگان و پژوهندگان قرار دارد و اگر چه نویسنده سال‌ها قبل رابطهٔ بین واژه «کاسپین» و «کاس» را دریافته بود، معه‌ذا پژوهندگانی مانند آقای عنایت اله رضا و دیگران پژوهش‌های دانشمندانه‌ای در مورد نام دریای شمال ایران کرده‌اند ولی همهٔ این پژوهندگان با «ب» یا «پ» یا «بین» یا «پین» چسبیده به انتهای این واژه مشکل داشته‌اند و چون به معنای واقعی این کلمه پی نبرده‌اند از این روی به حدس و گمانه‌هایی متوسل شده‌اند...

نویسنده می‌تواند ادعا کند که با تکیه بر تحول و تطور در زبان و مطالعهٔ تاریخ معنای واژهٔ «کاسپین» و یا «کاسپین» بر وزن «کشوین» را فهمیده و دریافته و آن را در اصل از واژهٔ «کاس سی‌بیه» و به معنای دریای

سرزمین مردم کاس می‌داند. نویسنده در این مورد در این نوشتار توضیحات کافی داده است.

۲. دومین نوشتار درباره معنای واژه «تهران» و «شمیران» است. همان‌طور که در نوشته آمده، پژوهندگان زیادی در این مورد پژوهش نکرده‌اند و آن‌هائی که برای این دو واژه معنای‌ای در نظر گرفته‌اند، تعبیر آن‌ها قابل پذیرش نیست. این قسمت از ایران که تهران و ری و خوار و گرمسار و قزوین (کاسپین) و گیلان و تبرستان در پیرامون قسمت بزرگی از کوه‌های سر به افلاک و آسمان کشیده البرز قرار دارد، از نشیمنگاه‌های وسیع قوم «آری» یا «آریا» بوده و اینان مهرپرست بوده‌اند و بعضاً سرزمین محل سکونت خود را به نام‌هائی معروف کرده‌اند که معروف اندیشه و جهان‌بینی آن‌ها بوده است و نویسنده در این نوشتارها اثبات کرده است که تهران در اصل «تاران» و طالقان در اصل «تارگان» و هر دو به معنای ستاره و ستارگان می‌باشند.

نویسنده در این مقاله نظریه خود را درباره «شمیران» که برگرفته از «سومر» یا «سی‌مار» است نیز بیان کرده و اثبات می‌دارد که کلماتی مانند «شمیران» و «شاماران» و «سمیران» و «سمیره» از «سومر» یا «سی‌مار» مأخوذ شده‌اند....

۳. سومین نوشتار نویسنده درباره معنی «دیلمان» و «گیلان» که به معنای سرزمین دلیران و یا سرزمین قوم «ایر» و یا «آریا» است. در این نوشتار نویسنده درباره چگونگی مهاجرت دیلمانیان و گیلانیان و ایرانیان به اروپا و تشکیل کشورهای آریائی «گل» یا فرانسه باستان» و «آلمان» و «ایرلند» و «انگلستان» می‌پردازد. نویسنده بر این گمان است که تا این تاریخ هیچ‌کدام از پژوهندگان در این حد و وسعت و با این جسارت وارد در این قسمت از حوزه تاریخی نگردیده‌اند.

۴. بررسی واژه «آذربایجان» و «تبریز» چهارمین مقاله این کتاب است. در مورد معنای آذربایجان قبلاً پژوهش‌های تقریباً مفیدی شده و معنای آن تا حدودی آشکار گردیده، لیکن نویسنده در این خصوص نظریه دیگری ابراز نموده است و همچنین نویسنده، در مورد واژه‌های تبریز و

تقلیس و طبع و تفرش که واژه‌های همگون و همانند می‌باشند، به پژوهش پرداخته و معتقد است که ریشه همه این کلمات برگرفته از واژه «تب» می‌باشد، که در این باره توضیحات مکفی داده است.

۵. ایران و یح، ایران، ایراک، آریابین، ایروان، آریا، ایراک و خراسان مبحث پنجم کتاب را تشکیل می‌دهند. این واژه‌ها برگرفته از مکان‌هایی است که قوم آریان در آنجاها نشیمن گزیده و با تاریخ و فرهنگ ایران پیوند خورده و قسمت مهمی از هویت ملی و فرهنگ ایران زمین را تشکیل داده است. نویسنده پژوهش‌های لازمه را درباره معنای آنها انجام و نظریه‌هایی را که برخی از آنها جدید می‌باشند در این کتاب ارائه داده است.

۶. رشت، شهر ستاره. پژوهشی درباره معنای لغوی رشت - نوشتاری است که نویسنده در سال ۱۳۷۲ خورشیدی نگاشته و در همان سال در یک جزوه مستقل چاپ و منتشر گردیده است. نویسنده با تکیه و ژرف‌نگری بر روی واژه‌های همگون مانند: ایشتر، ایشترن، ایشتار، آلاشت، نشتارود، لشت‌نشا، لشتو و رلشت و وجود سه آبادی به نام‌های رشت در سه نقطه ایران زمین و یک شهر به همین نام در کشور تاجیکستان به این نتیجه رسیده است که معنای رشت غیر از آن چیزی است که فرهنگ‌نویسان (مخصوصاً بیگانه و هندی‌تبار) از روی جهل و نادانی و یا بر اساس اوهام و خیالات خود نوشته‌اند، خاصه آن‌که «گیلان» و «دیلمان» از روزگاران باستان سکونتگاه قوم آریائی بوده و از دیرباز این قوم به وجود نور و ظلمت و روشنایی و تاریکی و اهورائی و اهریمنی و پاکی و ناپاکی معتقد و مؤمن بوده‌اند، بر این اساس این قوم نمی‌توانسته نشیمنگاه و یا محل و سرزمین و زادبوم خود را به نامی نماید که معرف قسمتی از هویت و جهان‌بینی و معرفت آن‌ها از زندگی و طبیعت نباشد و یا با پاکی و زیبایی توأم و آراسته نشود...

۷. هفتمین نوشتار نویسنده، پاسخی به مقاله‌های آقایان م. ن. و الف. م. می‌باشد که درباره معنای لغوی رشت اظهاراتی نموده‌اند... در اینجا

نویسنده بر خود واجب می‌داند که به این نکته اشاره کند که دلیلی ندارد که هر شخص، با هر مقدار معلومات و یا با انگیزه‌های شخصی و یا از روی هوس وارد در مباحثی گردد که اصولاً دانش و تخصص آن را ندارد. بازار علم و فکر و فرهنگ، بازار مکاره نیست و چشمان مراقب و مواظب اندیشه‌ورزان نگهبان و نظاره‌گر آن است و به توهماتی که برخاسته از هوس و یا خواب‌های آشفته است، جواب صریح و قاطع می‌دهد...

۸. هشتمین مقاله نویسنده، مربوط به فیلم اسکندر، ساخته «الیور استون» است که مربوط به حمله این مرد وحشی و ویرانساز به خاک میهن ما و تخریب تخت جمشید (یکی از زیباترین بناهای پرشکوه دوران باستان) و کشتار وسیع مردم آن زمان می‌شود. نویسنده بسا ورود به مدخل تاریخ ایران باستان، تعارض در انگیزه و خوی و خیم واقعی این دژخیم خونریز را با درون مایه‌های اصلی فیلم مقایسه و شخصیت شوم و نکبت‌بار این مرد ویرانگر را افشاء نموده است.

۹. نهمین نوشتار درباره فیلم بی‌ارزش و مبتذل، ولی بحث‌انگیز و فریادکارانه «۳۰۰» است که مربوط به لشکرکشی خشایارشا به یونان و ایستادگی «لئونیداس» پادشاه اسپارت و هم‌زمان او در مقابل این پادشاه است. تاریخ، دلاوری همه دلاوران را ارج می‌گذارد ولی هنگامی که وقایع تاریخی دستمایه تحریف و قلب حقایق می‌گردد و هنگامی که قلب حقایق تاریخی واسطه‌ای برای کلاشی و جیب‌بری و دغلکاری می‌شود، باید از طرف مرزبانان فرهنگی کشور پاسخ اهانت‌های آن‌ها داده شود. نویسنده با تکیه بر تاریخ پرافتخار ایران باستان، ابتذال و بی‌ارزشی این فیلم را از یک سوی نشانه گرفته و از سوی دیگر، اثبات کرده است که سازنده این فیلم با تکیه بر فناوری پیشرفته، عقده‌گشایی کرده و در حقیقت هوش و رأی و قضاوت عامه مردم امریکا و جهان را دزدیده و با این وصف، خورجین خود را با پولی که با نمایش این فیلم از جیب تماشاگران درآورده، پر کرده است...

۱۰. نوشتار دهم مربوط به فیلم «اسپارتاکوس» است که سازنده، آن را از

روی رمان عظیم و تاریخی هوارد فاوست نویسنده معروف و انسان دوست امریکائی ساخته است. در حقیقت نوشتار نویسنده از فیلم «اسپار تاکوس» را می توان نوعی نگاه ویژه به این فیلم و از دید و زاویه خاص دانست. نویسنده در این فیلم خود را جزء بردگان و غلامان و آوارگانی تصور کرده است که آرزوی بازگشت به سرزمین آباء و اجدادی و زادبوم خود را در سر می پرورانند...

حمید فروچی

فروردین ۱۳۹۳